

یادداشت

اقتصاد ایران در دام ناترازی

براینبارن باید سراغ رفع علل فقر رفت، نه اینکه با قرض مُسکن یا بیماری برخورد کرد. این توصیه‌ای که حسب وظیفه‌تصمیم‌سازان مطرح می‌کنند، از جهت ندانستن یا عدم دلسوزی تصمیم‌گیران نیست، بلکه از باب حدیث علوی(ع) است که می‌فرمایند: در شنیدن تذکرات، اثری هست که در دانستن نیست و همه محتاج آن هستیم. اگر قرار باشد اقتصاد ما پیشرفت کند، باید ابتدا امنیت و اطمینان در آذهان سرمایه‌گذاران ایجاد شود. پس از وجود احساس امنیت، باید سراغ ایجاد سایر مفاد لازم برای فضای کسب‌وکار مطلوب رفت تا فعالان اقتصادی در بخش خصوصی کار را بهتر انجام دهند. حال می‌ماند فعالیت بخش عمومی. بخش خصوصی بعد از ایجاد مفاد ضروری برای فضای کسب‌وکار مطلوب، باید بتواند با علم صواب و اراده راسخ تلاش کند برنامه و سیاست‌های سازنده‌ای را به کمک بخش خصوصی تدوین و اجرایی کند. این فرایند مستلزم شناخت وضع موجود و بعد تعریف وضع مطلوب به عنوان اهداف برنامه با روش‌های عالمانه است. سازمان برنامه، وزارت اقتصاد، دستگاه‌هایی مثل صمت و کشاورزی یا زیرساختی مانند نیرو، مخابرات و همچنین حمل‌ونقل نقش مهمی دارند. تبیین راهبردهای مؤثر، مهم و سیاست‌هایی که بتواند راهبرد را با عملیاتی کند و اقتصاد را به وضع مطلوب تعریف‌شده برساند، خیلی سازنده هستند. قطعاً نقش نظارت بر حسن اجرای برنامه و بازخورد در این فرایند بسیار سازنده است. سهم نقد خردوزران در این فرایند باید پاس داشته شود که مستلزم احترام عملی به آزادی قلم و بیان است. نباید امور عارضی و تجویزی قرض مُسکن‌هایی مثل کالایرگ، دستگاه‌هایی نظیر وزارت کار و رفاه را چنان مشغول کند که از حراست فضای کسب‌وکار بازدارد. توجه خاص به تربیم این رضا و تسهیل رشد اقتصادی، جریانی ضد فقر است. البته پیشرفت، یک بعد نیست، بلکه پدیده‌ای دسته جمعی و روابط علت و معلولی است. چنانچه در علم‌پژوری و در اخلاق مداری در سطح مطلوب قرار داشته باشیم، علاوه بر موفقیت در تدوین برنامه‌های سازنده، آن برنامه‌ها بهتر اجرا می‌شوند و هزینه نظارت نیز پایین می‌آید. می‌توان با نگاه به کیفیت آموزش‌های متوسطه و عالی، سبک و سیاق پرورش منابع انسانی کشور، چشم‌انداز آینده جامعه را پیشایش دید. پیشرفت اقتصادی- اجتماعی مستلزم رشد علمی و تعالی اخلاقی آحاد جامعه است. رشد علمی و توجه به مفاد اخلاقی، از این رو نقش حیاتی دارند که سیاست‌گذاران هر چه بیشتر مسائل را دقیق شناسایی کرده و بهتر بتوانند درمان کنند، راه پیشرفت بیشتر و بهتر هموار می‌شود. اگر سطح علمی کارگزاران بیشتر باشد و در مفاد اخلاقی خوب پرورش یافته باشند، کار گروهی بهتر و هدررفت‌های نیز کمتر خواهد شد. پیشرفت اقتصادی مستلزم هماهنگی دستگاه‌های اقتصادی بخش عمومی و خصوصی است و به حداقل رساندن سواستفاده‌هاست. در دستگاه‌ها با نهادهای تربیتی، نمی‌توان با سطحی‌نگری درس داد و آزمون‌ها نیز سازنده نباشند و تفکر را تحریک نکنند، کتب و مقالات ضعیف، جعلی و گاه مونثازی ارائه و در نشریات درج شوند، آنگاه انتظار پیشرفت داشت. کارگزاران محصول فرایند تعلیم و تربیت جوامع هستند. لذا تعلیم‌دهندگان هر اندازه با انگیزه و قوی باشند، محصولات انسانی بهتری تولید می‌کنند. ضعف در خلاقیت‌در حل مسائل می‌توان ناشی از ضعف در اسباب و علل تعلیم و تربیت باشد. همان‌طور که قضات باید در سطح مکفی درآمد داشته باشند تا از مسیر حق منحرف نشوند، آموزگاران مدارس و استاد‌های دانشگاه نیز باید دغدغه معیشت نداشته باشند و در زندگی سربلند باشند تا با انگیزه روی اسباب و مؤلفه‌های علم‌پژوری و پرورش منابع انسانی خوب کار کنند. ضرب‌المثلی که می‌گوید هر اندازه پول دهی، همان اندازه آش خواهی خورد، از همین واقعیت نشئت گرفته است. قطعاً در ذیل موضوع اخلاق که موضوعی رفتاری است، عزم راسخ در اجرا، مدیریت قوی است که مستلزم وجود خصایصی مانند بینش، شجاعت و قاطعیت است. البته در کنار آن، گاه تسامح و تساهل در بعضی مفاد غیرمهم، جزئی و ظریف لازم است؛ چون مجریان در طول اجرا، گاه غیرعمد و ناشی از عوامل عارضی، دچار خطا می‌شوند. لذا در این موارد، اغماض و گذشت برای قدردانی و ترغیب به کار احسن ضرورت می‌یابد. در ذیل علم، بینش و ایده‌پردازی قرار دارد، صرف اثبات‌اش اطلاعات کافی نیست. توان تحلیل معلومات مجتسبه و قدرت آنبه‌نگری خیلی تعیین‌کننده است. آنها که مبتکر و کارآفرین هستند، در واقع ایده‌پردازند و این توانایی خودبه‌خود ایجاد نمی‌شود و افکار به‌خودی‌خود در جامعه در سطح انبوه عملیاتی نمی‌شوند. تولیدات فکری باید در یک سامانه مدیریت- کارکردی به اجرا گذاشته شوند. زنجیره تولید صنعتی، کشاورزی و خدماتی باید مکمل عمل کنند تا بتوانند لازم و ملزوم یکدیگر رفتار کنند. توزیع وجوه و انواع منابع با ادبیات عادلانه و رعایت مفاد مقتضی، شرط سلامت روند رشد است. قطعاً در دل این سامانه نقش پیش گفته، بخش آموزش و پژوهش به مفهوم عام، نقش اصلی را بازی می‌کند. عدم امکان بومی‌سازی آورده‌های پیشرفته بشری با عدم امکان تولید انبوه ایده‌های نو در داخل، حتی هدررفت‌ها، همه ناشی از ضعف و وجود عیب و خلأ در این زنجیره از سامانه‌ها یاد شده است. در هر جامعه خواهان پیشرفت، سامانه پرورش منابع انسانی نباید با وسایل یا وضع قوانین امنیتی به مخاطره افتد، محدود و محصور شود. ارتباطات علمی و تضارب اندیشه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی موجب بالایش فکری و پیشرفت‌های علمی بشری است که نتایج محصولات و یافته‌های آن در همه جوامع کاربرد دارد. نمی‌توان بدون توجه به این دأوستدهای منطقی و کارکردی، انتظار پیشرفت داشت. از آنجا که تخصیص منابع به همه زیرمجموعه‌ها به دلیل انواع محدودیت‌ها، هم‌زمان دشوار است، دو اصل باید مدنظر سیاست‌گذاران اصلی باشد: الف. قاعده هم‌زمانی رعایت شود، یعنی ضمن آنکه به موضوعات راهبردی بیشتر رسیدگی می‌شود، به سایر موضوعات نیز در سطح ضروری توجه شود. ب. اصل برون‌سپاری با اعتقاد به بخش خصوصی نیز دقت شود. به این مفهوم که لازم نیست، بخش عمومی خود بخواهد به نوعی همه امور را بر عهده گیرد، بلکه باید اجازه دهد، بخش خصوصی با روش‌های ترقی‌بی حاکمیتی، وارد این عملیات شود و دولت در بسیاری از موارد به عنوان کارفرما نظارت کند. شکستن امور به اجزای مختلف و ارائه آنها به بخش خصوصی با ادبیات رقابتی سالم، موجب شکوفایی استفاده‌ها و ارتقای کیفیت عملکردها می‌شود. آنچه در این مختصر به اشاره گذشت؛ مفادی از شروط اساسی برای رشد و تعالی البته در جامعه بود که باید مدنظر کارگزاران بالادستی قرار گیرد و سیاست‌ورزی‌ها، با این رویکرد سازگار عمل کنند. نباید لوام تعالی و پیشرفت تحت هر شرط، تعطیل شود یا مورد غفلت قرار گیرند. زمان نمی‌ایستد، اسباب حیات و رشد جامعه مانند عوامل حیات و رشد فردی همواره باید مورد رسیدگی قرار گیرند. اگرچه متاثر از عوامل ناخواسته و تحمیلی با دشواری‌هایی مواجه باشیم.

ما جزئی از طبیعتیم، نه مالک آن

چیزی که هدف اصلی این گرایش را تشکیل می‌دهد دادن، یعنی آموختن آزادی حرکت به کودکان و نوجوانان و تشویق آنها به مشاهده و کشف طبیعت، حس و لمس آب و گیاه و حیوان و دیدن رفتار طبیعت در فصول مختلف و… است. این تماس مستقیم با طبیعت یک نگاه علمی و واقعی به کودکان می‌آموزد که با هیچ کتابی نمی‌توانند آن را تجربه کنند. دکتر وهاب‌زاده درباره کتاب جدیدالانتشار امیرالتوری کودکی توضیح می‌دهد چرا کودک امروزی باید آزاد باشد تا خودش هم علاوه بر آموزش توسط معلم، یاد بگیرد و با تجربه مستقیم و بازی، که مهم‌ترین کار کودک است، بتواند از قید کنترل‌های محیط خانه و مدرسه عادی گمی آزاد باشد. وهاب‌زاده می‌گوید اگر کودک بتواند بیش از آموزش یک رابطه عاطفی درست با یا طبیعت برقرار کند، همه عمر به عنوان سرچشمه حیات به طبیعت احترام خواهد گذاشت و هرگز حاضر نخواهد شد به آن آسیب بزند. به‌هرحال، رفتن به دامن طبیعت و سیزده‌به‌در از دیرباز در فرهنگ ما ایرانیان بوده است. عشق به طبیعت خودبه‌خود کودک را به هوای پاک و تمیز، ورزش و یله‌شدن در دل سبزه‌ها بعد از دیدن و جست‌وخیز علاقه‌مند می‌کند. و این کودک طبیعی است که در سنین مختلف از دوجرخه و وسایل حمل‌ونقل عمومی برقی که هوا را کمتر آلوده می‌کنند، استفاده کند و پاسداری از محیط زیست و طبیعت را سرمشق زندگی خود قرار دهد. رودکی بزرگ صدها سال پیش گفته است: هموار خواهی کرد گیتی را؟! گیتی ست کی پذیرد همواری؟

صفحه اول

یادداشت

شرق؛ حملات تکراری ایران به تأسیسات نظامی آمریکا در اردن، نکته‌های فراتر از یک ضعف دفاعی در این کشور را آشکار کرده است؛ شکاف میان وابستگی امنیتی حکومت اردن به واشینگتن و افکار عمومی خشمگین از جنگ غزه می‌تواند اردن را به حساس‌ترین حلقه حضور آمریکا در منطقه تبدیل کند. حملات متعدد ایران بار دیگر این کشور را وارد یکی از حساس‌ترین معادلات امنیتی خاورمیانه کرده است. تهران با هدف قراردادن پایگاه‌های آمریکایی در خاک اردن، فقط به حضور نظامی واشینگتن پاسخ نداده؛ این حملات هم‌زمان روی نقطه‌ای دست گذاشته که برای حکومت خاندان هاشمی از خود تهدید نظامی دشوارتر است: نگاه و تقسیر بخش بزرگی از جامعه اردن از رابطه نزدیک اردن با آمریکا. اردن برای واشینگتن دهه‌ها یکی از قابل اتکاترین شرکا در جهان عرب بوده است. همکاری اطلاعاتی و ضدتروریسم، میزبانی نیروهای آمریکایی و دریافت میلیارد‌ها دلار کمک اقتصادی و نظامی، این کشور را در دهه‌های اخیر به بخشی ثابت از معماری امنیتی آمریکا در خاورمیانه تبدیل کرده است. امان از سال‌ها پیش سیاست خارجی خود را بر حفظ رابطه با واشینگتن و ثبات مرزهایش بنا کرده و پیمان صلح سال ۱۹۹۴ با اسرائیل نیز یکی از ستون‌های همین مسیر بوده است.

اما حملات اخیر نشان داده‌اند آنچه از بیرون یک مشارکت باثبات به نظر می‌رسد، در داخل با هزینه سیاسی فزاینده‌ای روبه‌رو است. بسیاری از اردنی‌ها حضور نظامی آمریکا را نه سیری در برابر بحران‌های منطقه، بلکه عاملی می‌بینند که کشورشان را به بخشی از جنگ واشینگتن با تهران تبدیل کرده است. محمد ایوب، استاد ممتاز و بانفوذت رویب ایلملل دانشگاه ایالتی میشیگان که سال‌ها درباره امنیت خاورمیانه و اسلام سیاسی نوشته است، در تحلیل خود در نشنال اینترنست استدلال می‌کند آسیب‌پذیری اصلی اردن دقیقاً در همین فاصله شکل گرفته است. از نگاه او، ایران برای ضربه‌زدن به موقعیت آمریکا در اردن الزاماً نیازی به تضعیف نظامی یا سرنگونی حکومت ندارد؛ کافی است هزینه داخلی همراهی امان با واشینگتن را بالا ببرد.

فلسطین: یک مسئله داخلی

ریشه این فشار را باید در ترکیب جمعیتی و تاریخ سیاسی اردن جست‌وجو کرد. بخش بزرگی از جمعیت کشور ریشه فلسطینی دارد و خانواده‌های بسیاری با کرانه باختری و شرق قدس (اورشلیم) پیوندهای مستقیم خانوادگی دارند. برای این بخش از جامعه، فلسطین یک پرونده دور در سیاست خارجی نیست؛ موضوعی است که به تاریخ خانوادگی، مهاجرت، هویت و زندگی بستگانشان در آن سوی رود اردن گره خورده است. به همین دلیل، جنگ غزه از اکتبر ۲۰۲۳ و تشدید عملیات نظامی و خشونت شهرکنشینان در کرانه باختری، تأثیر متفاوتی بر افکار عمومی اردن گذاشته است. محمد ایوب در تحلیل خود اقدامات اسرائیل در غزه را در چارچوب تخریب گسترده و جابه‌جایی فلسطینیان توصیف می‌کند و معتقد است این تحولات خشم اجتماعی در اردن را به سطحی کم‌سابقه رسانده‌اند. در نگاه بخش بزرگی از جامعه اردن، سیاست آمریکا نیز از عملکرد اسرائیل جدا دیده نمی‌شود. کمک نظامی واشینگتن، حمایت دیپلماتیک از تل‌آویو و استفاده آمریکا از حق وتو در شورای امنیت، این برداشت را تقویت کرده که واشینگتن در هزینه انسانی جنگ هم‌مسئیم‌هاست. همین برداشت بر نحوه نگاه بخشی از جامعه اردن به جنگ آمریکا و ایران نیز اثر می‌گذارد. بسیاری از اردنی‌ها این رویارویی را نه نزاعی برای جلوگیری از یک تهدید منطقه‌ای، بلکه بخشی از سیاست آمریکا برای حفظ برتری نظامی اسرائیل در منطقه می‌بینند. چنین فضایی، حکومت عبدالله دوم، پادشاه اردن را در موقعیتی دشوار قرار می‌دهد:

حملات متعدد ایران، شکاف میان وابستگی حکومت اردن به آمریکا و افکار عمومی این کشور را آشکار کرده است

اردن زیر فشار دو جبهه



امنیت و اقتصاد این کشور به همکاری با آمریکا وابسته است، اما هرچه جنگ گسترده‌تر می‌شود، مشروعیت داخلی همین همکاری بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرد. ایران نیز در افکار عمومی اردن جایگاهی ساده و یکدست ندارد. جامعه اردن الزاماً حامی حکومت تهران یا سیاست منطقه‌ای ایران نیست، اما حمایت سیاسی و مادی ایران از گروه‌های فلسطینی برای بخشی از افکار عمومی جذابیت ایجاد کرده است. این همان فضایی است که به تهران امکان می‌دهد حمله به پایگاه آمریکایی را نه صرفاً اقدام نظامی، بلکه بخشی از نبرد روایت‌ها معرفی کند.

دولتی سوار بر موازنه

این حساسیت اجتماعی با ویژگی‌های تاریخی خود اردن نیز پیوند دارد. این کشور برخلاف برخی دولت‌های قدیمی‌تر منطقه، محصول مستقیم بازارآایی خاورمیانه پس از جنگ جهانی اول است. مرزهای امارت موآوای اردن تحت نفوذ بریتانیا شکل گرفت و خاندان هاشمی نیز پس از ازدست‌دادن حجاز، با حمایت لندن در این سرزمین مستقر شد. حکومت از همان ابتدا برای بقا به دو ستون متکی بود: حمایت خارجی و ائتلاف‌های داخلی، به‌ویژه شبکه‌های قبیله‌ای. پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا به تدریج جای بریتانیا را به عنوان مهم‌ترین حامی خارجی اردن گرفت. این‌الگو دهه‌ها ثبات تولید کرده، اما یک ضعف ساختاری هم دارد: هرگاه سیاست حامی خارجی از حساسیت‌های جامعه اردن به حمایت بدون قید از اسرائیل تعبیر شود، پایه اجتماعی همان همکاری ضعیف‌تر می‌شود. این مسئله لزوماً به معنای نزدیک‌شدن اردن به ایران یا فروپاشی ائتلاف با آمریکا نیست. خاندان هاشمی تجربه طولانی در مدیریت فشار داخلی دارد و دستگاه امنیتی و شبکه‌های سنتی قدرت همچنان ابزارهای قدرتمندی در اختیار حکومت قرار می‌دهند. اما تفاوت میان «ثبات» و «آسپ‌ناپذیری» مهم است. اردن می‌تواند هم‌زمان باثبات و حساس باشد؛ همان ویژگی‌ای که محمد ایوب آن را حلقه ضعیف‌تر زنجیره آمریکا در منطقه می‌داند. اهمیت حملات ایران نیز در همین جاست. تهران شاید نتواند با چند موشک رابطه واشینگتن و امان را از بین ببرد، اما امیودار است بتواند هزینه سیاسی آن را مرحله به مرحله بالا ببرد.

محدودیت‌ها برای تندروها

عامل دیگر، نفوذ جریان‌های تندرو ازجمله اخوان المسلمین است که در مصر در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد، اما قطر از جمله کشورهایی است که از آنها حمایت می‌کند. حکومت اردن در سال‌های اخیر فعالیت تشکلی‌ها وابسته به اخوان المسلمین را محدود کرده و بازوی سیاسی آن، جبهه عمل اسلامی نیز تحت ممنوعیت قرار گرفته است. با این حال، برخورد حقوقی با یک سازمان الزاماً شبکه اجتماعی و مخاطبان آن را از بین نمی‌برد. اخوان المسلمین و جریان‌های نزدیک به آن برای سال‌ها از طریق مؤسسات اجتماعی، خیریه‌ها و فعالیت‌های

محلی در بخش‌هایی از جامعه نفوذ داشته‌اند و پایگاه‌هایی گسترده برای خود ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل روایت‌هایی که بر مقاومت در برابر اسرائیل و مخالفت با نفوذ غرب تأکید می‌کنند، حتی پس از محدودشدن ساختار رسمی این جریان‌ها، همچنان مخاطب دارند. این مسئله برای حکومت هاشمی به‌ویژه زمانی حساس می‌شود که اعتراض به اسرائیل، مخالفت با حضور آمریکا و نارضایتی اقتصادی در یک نقطه به هم برسند. هیچ‌کدام از این عوامل به‌تنهایی به معنای تهدید فوری علیه حکومت نیست، اما کنار هم قرارگرفتن آنها شرایط هشیه مانور سیاسی امان را کاهش می‌دهد. به نگاه محمد ایوب، تهران نیز برای بهره‌برداری از این فضا نیاز ندارد جامعه اردن را به حامی ایران تبدیل کند. هدفی بسیار محدودتر کافی است: تقویت این پرسش که چرا اردن باید هزینه امنیتی تصمیم‌های آمریکا را بپردازد. هر حمله به یک تأسیسات آمریکایی می‌تواند همین بحث را تازه کند. اگر پاسخ نظامی آمریکا نیز از خاک اردن انجام شود، حلقه فشار کامل‌تر می‌شود؛ حضور واشینگتن حمله ایران را به دنبال می‌آورد و حمله ایران مخالفت داخلی با حضور واشینگتن را بیشتر می‌کند.

حلقه‌ای که باید حفظ شود

از همین منظر، آسیب‌پذیری اردن برای آمریکا با آسیب‌پذیری پایگاه‌های خلیج فارس متفاوت است. در قطر، بحرین یا کویت، پرسش اصلی بیشتر درباره محافظت از زیرساخت‌های نظامی و مقابله با موشک و پهپاد است. در اردن یک لایه دیگر نیز وجود دارد: استمرار حضور آمریکا باید از آزمون مشروعیت اجتماعی عبور کند. ایران هم این تفاوت را می‌بیند. ضربه نظامی حتی اگر خسارت محدودی ایجاد کند، می‌تواند از نظر سیاسی ارزش بیشتری داشته باشد؛ زیرا هر حمله بحث درباره هزینه اتحاد با آمریکا را در جامعه اردن زنده می‌کند. واشینگتن در نتیجه با تناقضی روبه‌رو شده که بخشی از آن محصول همان سیاست‌هایی است که برای حفظ نظم منطقه دنبال کرده است. همکاری امنیتی نزدیک‌تر با امان توان نظامی آمریکا را افزایش می‌دهد، اما اگر این حضور با سیاستی همراه باشد که در جامعه اردن به حمایت بدون قید از اسرائیل تعبیر شود، پایه اجتماعی همان همکاری ضعیف‌تر می‌شود.

این مسئله لزوماً به معنای نزدیک‌شدن اردن به ایران یا فروپاشی ائتلاف با آمریکا نیست. خاندان هاشمی تجربه طولانی در مدیریت فشار داخلی دارد و دستگاه امنیتی و شبکه‌های سنتی قدرت همچنان ابزارهای قدرتمندی در اختیار حکومت قرار می‌دهند. اما تفاوت میان «ثبات» و «آسپ‌ناپذیری» مهم است. اردن می‌تواند هم‌زمان باثبات و حساس باشد؛ همان ویژگی‌ای که محمد ایوب آن را حلقه ضعیف‌تر زنجیره آمریکا در منطقه می‌داند. اهمیت حملات ایران نیز در همین جاست. تهران شاید نتواند با چند موشک رابطه واشینگتن و امان را از بین ببرد، اما امیودار است بتواند هزینه سیاسی آن را مرحله به مرحله بالا ببرد.

اگر این شکاف گسترش یابد، پیامد آن فقط محدود به اردن نخواهد بود. آمریکا بخشی از شبکه نظامی، اطلاعاتی و دیپلماتیک خود در منطقه را بر اعتماد دولت‌های شریک بنا کرده است. تضعیف یکی از باثبات‌ترین این شرکا می‌تواند در دیگر پایتخت‌ها نیز این پرسش را ایجاد کند که هزینه همراهی با واشینگتن در یک جنگ منطقه‌ای تا کجا قابل تحمل است؟ در نهایت، آزمون اردن بیش از آنکه درباره توان ایران برای اصابت به یک پایگاه باشد، درباره توان آمریکا برای حفظ یک ائتلاف است. موشک را می‌توان رهگیری و پایگاه آسیب‌دیده را می‌توان بازسازی کرد، اما ترمیم فاصله میان یک حکومت و افکار عمومی بسیار دشوارتر است.

انتشار جزئیات توافق نفتی آمریکا و ونزوئلا

خارج‌ه آمریکا واگذار کرده است. در گزارش کاخ سفید آمده است: «شرکت نورث امریکن بلو انرژی پارتنرز برنامه‌ای بلندپروازانه برای افزایش سریع تولید از طریق سرمایه‌گذاری تا سقف صد میلیارد دلار در زیرساخت‌های جدید نفتی در ونزوئلا تدوین کرده است؛ اقدامی که به رشد اقتصادی، ایجاد هزاران شغل با درآمد بالا در ونزوئلا و ایجاد ده‌ها میلیارد دلار فعالیت اقتصادی گسترده‌تر کمک خواهد کرد». کاخ سفید اعلام کرد انتظار می‌رود این شرکت طی ۵ سال نخست، ۲۰۰ میلیارد دلار حق امتیاز و مالیات پرداخت کند، در حالی که این توافق «هیچ هزینه‌ای» برای ایالات متحده نخواهد داشت. براساس این توافق، دولت آمریکا اختیار وتو بر انتصاب اعضای هیئت‌مدیره شرکت «نورث امریکن بلو انرژی پارتنرز» را خواهد داشت و اکثریت اعضای هیئت‌مدیره نیز باید شهروند آمریکا باشند. کاخ سفید اعلام کرد بیشتر میدان‌های نفتی که این شرکت بهره‌برداری از آنها را بر عهده خواهد گرفت، پیش‌تر تحت کنترل نهادهای روسی و چینی بودند. در این بیانیه آمده است: «این بازیگران خارجی مغرب، منابع ونزوئلا را به سود دشمنان آمریکا مانند کوبا، روسیه و چین غارت کردند و در زیرساخت‌ها یا توسعه ونزوئلا سرمایه‌گذاری نکردند».

کواهنیامه موقت پایان تحصیلات اینچانب هادی خزانی لنگرودی

فرزند علی اکبر یا کد ملی ۲۷۰۹۴۳۵۵۱۹ در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بازرگانی صادره از موسسه آموزش عالی الغدیر – تبریز به شماره ۱۱۰/۴۰ و تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ مفقود شده و فاقد اعتبار است. از پاینده تقاضا می‌شود اصل کواهنیامه را به موسسه آموزش عالی الغدیر – تبریز به نشانی آذربایجان شرقی، تبریز، ولیعصر ۲، خیابان استاندارد، روبروی کوی استانداری، کوی سپهر، قطعه ۳۹۸، موسسه آموزش عالی الغدیر کد پستی: ۵۱۵۸۹۱۵۵۱۵ ارسال نماید.

برگ سبز موتورسیکلت مشکی مدل ۱۳۹۵

به شماره پلاک ۷۷۵ایران ۱۵۸۴۸ شماره تنه ۲۰۰۹۶۵۱۴۳۳۴ N۲N* و شماره موتور ۰۱۹۶N۲N۹۳۹۹۲۷ به نام **مهدی مجرد** با کد ملی ۶۵۰۹۸۸۸۸۷۴ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

گزارش

انگشت اتهام آلمان به سوی روسیه

دولت آلمان به‌طور رسمی روسیه را به دست‌داشتن در یک «حمله هیبریدی» نافرجام با استفاده از یک پهپاد حامل مواد منفجره به فرودگاه راهبردی شهر لایپزیگ در ماه آگوست متهم کرد و از اقدامات متقابل دیپلماتیک خبر داد. وزیر خارجه آلمان در یک کنفرانس خبری با اعلام این موضوع گفت آلمان در واکنش، اواخر ماه جاری میلادی، سیامبر، کنسولگری روسیه در شهر بن، پایتخت پیشین آلمان غربی را تعطیل کرد و قرارداد مربوط به «خانه روسیه» در برلین (یک مرکز فرهنگی روسیه) را لغو خواهد کرد. یوهان واده‌فول افروود: «ما کنترل ورود اتباع روسیه به آلمان را تشدید می‌کنیم» و برلین پیشنهاد خواهد کرد افراد روس بیشتری در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار بگیرند. هم‌زمان سفیر روسیه در برلین به وزارت خارجه احضار شد. آلمان که از اوکراین در جنگ با روسیه حمایت می‌کند، طی ماه‌های اخیر بارها از مشاهده پهپادهای مشکوک بر فراز مراکز نظامی و صنعتی خبر داده است. اما حادثه فرودگاه «لایپزیگ/

هاله» نگرانی‌ها را افزایش داد، زیرا پهپادی که در آنجا در نزدیکی یک هواپیمای باری اوکراینی پدش شد، حامل مواد منفجره بود. این فرودگاه در شرق آلمان نقش مهمی در ارتش کالاهای نظامی، از جمله برای انتقال آلمان و متحدان ناتو دارد و همچنین پایگاه شرکت هواپیمایی اوکراینی «آئتوئوف» است. برلین می‌گوید این حمله که حدود یک ماه قبل رخ داد و موجب اختلال در پروازهای فرودگاه لایپزیگ شد، بخشی از یک کارزار بلندمدت عملیات بی‌ثبات‌کننده روسیه علیه اروپا بوده است. الکساندر دوبرینت، وزیر کشور آلمان، در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه، گفت: «مجموع تحقیقات پلیس، الگوهای ارتکاب این جرائم و یافته‌های اطلاعاتی، مسئولیت روسیه در حمله نافرجام به فرودگاه لایپزیگ را ثابت می‌کند». او افزود: «ما حادثه لایپزیگ را به‌صورت مجزا نمی‌بینیم، بلکه آن را در چارچوب دیگر اقدامات هیبریدی بررسی می‌کنیم. ما بر این باوریم که آلمان هدف حملات هیبریدی بیشتری از سوی روسیه خواهد بود». یوهان واده‌فول هم تأکید کرد: «این حادثه با الگوی گسترده‌تر عملیات هیبریدی روسیه در اروپا مطابقت دارد». سرکنی نجایف، سفیر روسیه در آلمان، تقریباً هم‌زمان با اعلام این تصمیم‌ها در وزارت خارجه آلمان در برلین دیده شد. سفارت روسیه بعداً اعلام کرد او اتهام دست‌داشتن روسیه در حادثه لایپزیگ را «بی‌اساس، پوچ و مغایر با عقل سلیم» دانسته است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، ساعاتی بعد از کنفرانس خبری مقام‌های ارشد آلمان، در اظهاراتی تلویزیونی، اقدام برلین را برای اعمال تحریم‌ها «اشتباهی دیگر و اشتباهی جدی» خواند. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه هم مدعی شد آلمان «پهانه‌ای ساخته است» تا مرکز «خانه روسیه» را تعطیل کند و «مسکو به تمام تصمیم‌های ضدروسی پاسخ خواهد داد».

این اتهام در شرایطی مطرح شده که نگرانی‌ها درباره عملیات هیبریدی روسیه و احتمال تلاش ولادیمیر پوتین برای آزمون عزم ناتو از طریق حملات متعارف‌تر، از جمله حمله احتمالی به اعضای بالتیک این ائتلاف، همچنان ادامه دارد.

برگ سبز سواری شاهین مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید

روغنی به شماره شاسی NAS111100R1145800 و شماره موتور M15TC/2133779 شماره پلاک ایران ۷۷_۹۵۵_۷۸ به نام **علی مرادی دهگاهه** مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

برگ سبز سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید روغنی

به شماره شاسی NAAN01CA19E831747 و شماره موتور 12488027798 و شماره پلاک ایران ۶۰-۷۳۶-۷۵ به نام **علی نودهی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

صفحه اول